

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۶ (پیاپی ۵۲)
(ویژه‌نامه علوم تربیتی)

بررسی رابطه هوش هیجانی با خود شکوفایی دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان

دکتر احمد یارمحمدیان*
فاطمه کمالی**
دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی با خود شکوفایی دانش‌آموزان بوده است. به همین منظور، ۲۰۰ نفر دانش‌آموز (شامل ۱۰۰ نفر دختر و ۱۰۰ نفر پسر) که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از جامعه‌ی آماری مورد نظر برگزیده شده بودند، به عنوان گروه نمونه، مورد مطالعه قرار گرفتند. برای سنجش فرضیه‌ها از پرسش‌نامه‌های هوش هیجانی پترایدز و فارنهام، آزمون هوش ریون و مقیاس سنجش خود شکوفایی دانشگاه اهواز استفاده شده است. برای تحلیل داده‌های پژوهش، از شاخص‌ها و روش‌های آماری، مانند: میانگین، انحراف معیار، آزمون t، ضریب همبستگی، تحلیل واریانس و ضریب رگرسیون چند متغیری استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که در پیش‌بینی خود شکوفایی به ترتیب، متغیرهای هوش هیجانی، هوش بهر عمومی (شناختی) و عوامل دموگرافیک دارای بیشترین قدرت پیش‌بینی می‌باشند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که بین هوش هیجانی و خود شکوفایی، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد؛ بدین معنی که با افزایش میزان هوش هیجانی، سطح خود شکوفایی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. بنابراین، هوش هیجانی قادر به پیش‌بینی توانایی خود شکوفایی آزمودنی‌ها می‌باشد. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هوش هیجانی همراه با هوش عمومی و در آمد پیش‌بینی‌کننده‌ی خوبی برای متغیر خود شکوفایی باشند. اما یافته‌ها، رابطه معناداری را بین جنس، تحصیلات والدین، شغل پدر و تعداد فرزندان با خود شکوفایی نشان نداد.

واژه‌های کلیدی: ۱. هوش هیجانی ۲. هوش شناختی ۳. عوامل دموگرافیک ۴. خود شکوفایی ۵. دانش‌آموزان اول دبیرستان.

* استادیار بخش روان‌شناسی

** دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی

۱. مقدمه

هوش هیجانی به طور گسترده‌ای به عنوان ظرفیت درک و کنترل هیجانات خود و دیگران تعریف می‌شود (کمپ، کوپر، هرمان، گاردن، بریانت، و ویلیامز^۱، ۲۰۰۵). مفهوم جدید هوش هیجانی به وسیله سالوی و مایر^۲ (۱۹۹۰) اعتبار یافته اما از نظر تئوریک، در طبقه‌ای از هوش اجتماعی (وان رووی و وایزوروان^۳، ۲۰۰۴) و هوش‌های درون فردی و بین فردی قرار می‌گیرد (گاردنر^۴، ۱۹۸۳؛ فیفر^۵، ۲۰۰۱). اولین بار در سال ۱۹۹۰ روان‌شناسی به نام "سالوی" اصطلاح "هوش هیجانی" را برای بیان کیفیت و درک احساسات افراد، همدردی با احساسات دیگران و توانایی اداره مطلوب خلق و خو به کار برد. هر چند هنوز هم به طور دقیق ماهیت و ساخت هوش هیجانی روشن نیست، اما در عمل پذیرش یک دیدگاه منسجم‌تر برای مطالعه هوش هیجانی امکان می‌دهد تا توضیح بهتری درباره محتوای آن از لحاظ ارتباطش با متغیرهای بیولوژیکی، روان‌شناختی و جمعیت‌شناختی به دست آوریم (کمپ و همکاران، ۲۰۰۵). به علاوه، یافته‌های مطالعات اخیر نشان داده که هوش هیجانی یک عامل ظرفیت هیجانی درونی را در بر می‌گیرد که تشکیل شده از درک هیجانات خود و دیگران و یک عامل ظرفیت هیجانی بیرونی را که تشکیل شده از ارتباطات بین فردی و مهارت‌های اجتماعی و خود پنداره که به طور گسترده ممکن است به عنوان دریافت‌های شخصی خود فرد باشد که از طریق تجربیات و خود رهبری او شکل گرفته باشد (شاولسون، هوبنر و استانتون، ۱۹۷۶). این خود پنداره که جنبه‌ای از هوش هیجانی است، جنبه‌هایی از بهره هوش هیجانی را نظیر خود آگاهی هیجانی، احترام به خود و خود شکوفایی در بر می‌گیرد (کمپ و همکاران، ۲۰۰۵). تئوری هوش هیجانی دیدگاه جدیدی درباره‌ی پیش‌بینی عوامل موثر بر موفقیت و همچنین پیشگیری اولیه از اختلالات روانی فراهم می‌کند (حسینی، ۱۳۸۳). روان‌شناسی به نام گلن^۷ (۱۹۹۸، ۱۹۹۵)، اظهار می‌دارد که هوش شناختی یا هوش عمومی فرد در بهترین شرایط ۲۰ درصد از موفقیت‌ها را باعث می‌شود. ۸۰ درصد از موفقیت‌ها به عوامل دیگر وابسته است و سرنوشت افراد در بسیاری از موقعیت‌ها در گرو مهارت‌هایی است که هوش هیجانی را تشکیل می‌دهند. این هوش بنا به نظر بار-اون^۸ (۲۰۰۰)، ۵ مؤلفه دارد که ۱۵ عامل در آن مؤثر هستند:

- الف. مهارت‌های درون فردی شامل: (خودآگاهی هیجانی، جرأت، خودتنظیمی، خودشکوفایی و استقلال)
 - ب. مهارت‌های میان فردی شامل: (درک احساسات دیگران، ایجاد و حفظ روابط رضایت بخش دو جانبه، تعهد اجتماعی و همدلی)
 - ج. سازگاری شامل: (مسأله‌گشایی، آزمون واقعیت و انعطاف‌پذیری)، د. کنترل استرس شامل: (توانایی تحمل استرس و کنترل تکانه)
 - ه. خلق عمومی شامل: (شادی و خوش بینی).
- در این تعریف، خود شکوفایی^۹ که به عنوان یکی از عوامل مؤثر در هوش هیجانی مطرح شده

_____ بررسی رابطه هوش هیجانی با خود شکوفایی دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان / ۲۱۳

است به معنای تلاش جهت شکوفا نمودن استعداد های بالقوه، قابلیت ها و ظرفیت های خود می باشد. ریشه های تاریخی مفهوم خودشکوفایی را می توان در فعالیت های پیشگامانه آبراهام مازلو^۱ در اواسط دهه ۱۹۳۰ میلادی پیدا کرد. مازلو معتقد است که ما صرفاً زمانی به خود شکوفایی دست پیدا می کنیم که نیاز های اساسی مربوط به بقا، ایمنی اجتماعی و شخصی مان ارضا شده باشد. او خود شکوفایی را به عنوان "فرایند رشد و شکوفایی استعدادها در جهت نیل به کمال" تعریف می کرد. به عبارت دیگر افراد هنگامی می توانند توانایی های بالقوه ی خود را در جهت رشد فردی شکوفا سازند که قبل از آن، از نظر اجتماعی و عاطفی به طور مؤثری با نیازهایشان مواجه شده و به طور کلی بتوانند به شکلی کارآمد با زندگی روبه رو شوند. این موضوع به این معناست که در جریان پیچیده رشد فردی، خودشکوفایی گام نهایی پس از هوش هیجانی می باشد. به بیان دیگر، هنگامی که خود شکوفا شدیم، به یک مرحله فراتر از هوش هیجانی رفته ایم و این موضوع از جمله دلایلی است که نشان می دهد چرا در زمان ما هوش هیجانی و خود شکوفایی تا این حد مقبولیت یافته و با استقبال همگانی روبرو شده اند (سیاروچی، فورگاس و مایر، ۲۰۰۳). واژه ی خود شکوفایی اولین بار توسط گلدشتاین در سال ۱۹۳۹ به کار رفت، آن هم در معنای «به فعلیت در آوردن تمام وجوه و قابلیت های وجود خویش».

خود شکوفایی مفهومی است که اغلب روان شناسان انسان گرا در آن سهیم هستند. از نظر راجرز، هر شخصی گرایش فطری به شکوفا کردن استعداد منحصر به فرد خود دارد. این کار مستلزم پرورش توانایی های فرد به شیوه هایی است که به حفظ و بهبود ارگانیسم خدمت می کنند. خود شکوفایی یک نیروی رشد و بخشی از طبیعت ژنتیکی انسان است. راجرز نیز مانند مازلو معتقد است که خود شکوفایی از استعدادهای زیستی بنیادی فراتر می رود. خود شکوفایی شامل رشد روانی و حرکت به پیش است و به همین خاطر جزء مهمی از نظام روان درمانی راجرز است. به نظر مازلو افراد خود شکوفا کمتر با کمبودها و محرومیت ها برانگیخته می شوند و عمدتاً با انگیزه های رشد برانگیخته شده و دائماً برای آزمون توانایی و وسعت دیدشان تحریک می شوند. این افراد معمولاً در سنین ۶۰ سالگی به بیشترین میزان خود شکوفایی دست می یابند (پتری، ۱۹۹۶). مازلو با استفاده از مشاهدات، مصاحبه ها و نتایج آزمون ها، تصویری از شخصیت خود شکوفا ترسیم نمود (مازلو، ۱۹۷۰؛ هال و لیندزی^{۱۱}، ۱۹۷۰) و ویژگی هایی همچون: توجه به واقعیت و پذیرش آن، خود جوشی، تمایل شدید به حل مسایل، میل به تنهایی، خودمختاری و استقلال، احترام واقعی به دیگران، تجارب عرفانی و روحی، نوع دوستی و روابط اجتماعی و عاطفی عمیق با دیگران، دارای ارزش ها و نگرش های والا و آزادمنشانه، تمایز قایل شدن بین هدف و وسیله، شوخ طبعی فیلسوفانه، قدرت خلاقیت و آفرینندگی و مقاومت نشان دادن در برابر فرهنگ بجای پیروی از آن را برای این گروه برشمرد (اسماعیل خانی، نجاریان، مهرابی زاده، ۱۳۸۰). مازلو فهرستی از فرایندها را عرضه می کند که ظاهراً حالت های کمال یا هستی هستند که خواستاران تحقق خود به سوی آن ها پیش می روند. این فرایندها خود هدفند و نه وسیله ای برای رسیدن به هدف های دیگر، یعنی حالت هایی از بودن و نه شدن یا تلاش برای رسیدن به یک هدف خاص (شولتس، ترجمه خوشدل، ۱۳۶۶).

به عقیده‌ی مازلو یکی از موانع خود شکوفایی این است که بسیاری از افراد به سادگی توان‌های بالقوه خود را نمی‌بینند. آن‌ها نه می‌دانند که این توان‌ها وجود دارد و نه لذت ناشی از خود افزایشی^{۱۲} را درک می‌کنند. در عوض تمایل دارند تا نسبت به توانایی‌های خود شک کنند و یا حتی از آن بترسند. به همین جهت است که شانس تحقق بخشیدن به خود را کاهش می‌دهند. علاوه بر این، محیط اجتماعی نیز اغلب از بروز خود شکوفایی جلوگیری می‌کند. شکوفا شدن بالاترین بالقوه‌ها تنها تحت شرایط خوب امکان پذیر است و یا به عبارت روشن‌تر، انسان‌ها برای به حداکثر رساندن بالقوه‌های انسانی خود عموماً نیاز به یک جامعه تسهیل کننده دارند. به همین جهت بررسی و مطالعه عوامل جمعیت شناختی نظیر تحصیلات و شغل والدین، میزان در آمد و تعداد فرزندان می‌تواند تأثیر آن‌ها را در فرایند خود شکوفایی تعیین نماید که در این پژوهش دنبال می‌شود. آخرین مانعی که مازلو برای خود شکوفایی یادآور می‌شود تأثیر منفی و نیرومندی است که به وسیله نیازهای ایمنی اعمال می‌شود. لازمه‌ی فرایند رشد، میل دائمی به خطر کردن، اشتباه کردن و شکستن عادت‌های کهن است و این نیاز به شهامت دارد و به دنبال خود هر چیزی که ترس و اضطراب فرد را افزایش داده و تمایل به برگشت به سوی ایمنی و امنیت را زیاد می‌کند، به همراه دارد. بدیهی است که اغلب انسان‌ها تمایلات نیرومندی برای حفظ عادت‌های خصوصی دارند و بر رفتار گذشته خود پافشاری می‌کنند. به همین جهت بالفعل ساختن کامل توان‌های بالقوه نیاز به بی‌پروایی در اندیشه‌ها و تجربه‌ها دارد. مازلو تذکر می‌دهد کودکانی که در فضای امن، گرم و دوستانه تربیت می‌شوند، برای چشیدن طعم سلامتی در فرایند رشد، آماده‌ترند (زیگلر، ۱۳۴۴). بنابراین در کل، خود شکوفایی گام نهایی برای ابراز وجود^{۱۳} محسوب می‌شود که تا حد زیادی مبتنی بر یک آگاهی همه جانبه از خودمان، احساسات و نیازهایمان (خود آگاهی عاطفی و هیجانی) می‌باشد.

پژوهش‌هایی که درباره‌ی رابطه هوش هیجانی و خود شکوفایی در آمریکای شمالی، اسرائیل و هلند صورت گرفته، نشان دهنده‌ی همبستگی بالا و معنی‌دار بین این هوش و خود شکوفایی است، ضرایب همبستگی به دست آمده در مطالعه‌ی انجام شده در آمریکا ($r=0/75$)، در اسرائیل ($r=0/72$) و در هلند ($r=0/71$) می‌باشد. همچنین در این مطالعات رابطه‌ی بین خود شکوفایی و بهزیستی و سلامت کلی مورد بررسی قرار گرفت که همبستگی بین مقیاس خود شکوفایی و مقیاس شادکامی در نمونه‌ی آمریکایی ($r=0/69$) در نمونه‌ی اسرائیلی ($r=0/60$) و در نمونه هلندی ($r=0/68$) بود. در پژوهش دیگری که توسط بار- آن صورت گرفت این فرضیه که «هوش هیجانی برای پدیدآیی توانایی‌های بالقوه بسیار مهم و ضروری است» مورد تأیید قرار گرفت. مهم‌تر این که در آزمودنی‌های اسرائیلی و هلندی بین هوش شناختی و خود شکوفایی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد و این بدین معناست که هوش هیجانی بهتر از هوش شناختی می‌تواند سبب شکوفاسازی استعدادهای بالقوه و رسیدن به اهداف متعالی در زندگی گردد (سیاروچی، فورگاس و مایر، ۲۰۰۳). نتایج تحقیق کامبرا فایرو و کامبرا برون^{۱۴} (۲۰۰۷) نشان داد که یکی از عوامل موفقیت در شکوفایی خود و پیشرفت تحصیلی، خود ارزیابی است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که انگیزش، مسئولیت‌پذیری و خودپنداره عواملی هستند که بر روی خود ارزیابی تأثیر گذاشته

و این عامل به موفقیت تحصیلی، خودشکوفایی و استقلال فردی کمک می‌کند. از طرفی، نتیجه تحقیقات موزک^{۱۵} (۲۰۰۷-۲۰۰۵) از وجود یک فاکتور عمومی شخصیت به نام "بیگ ون"^{۱۶} در مدل پنج عاملی شخصیت حکایت دارد که در دامنه‌ای از حالت هیجانی بالا تا حالت هیجانی پایین قرار می‌گیرد و ویژگی‌هایی همچون: پایداری، هوشیاری، سازگاری، برون‌گرایی و باز بودن یا انعطاف‌پذیری را در بر می‌گیرد. این عامل همچنین به عنوان یک وضعیت اساسی از شخصیت تفسیر می‌شود که ابعاد خیلی وسیع‌تر غیرذهنی را در خود وحدت می‌بخشد و با نیازهای اجتماعی، عواطف، انگیزش، سلامتی، رضایت از زندگی، عزت نفس و خود شکوفایی همراه است. در واقع، در دو متغیر هیجان و خود شکوفایی عوامل مشترکی وجود دارد که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. پژوهشگران دیگری (بار-اون، ۲۰۰۰؛ گلمن، ۱۹۹۵؛ گلمن، ۱۹۹۸) تلاش کرده‌اند تا مفهوم هوش هیجانی را با ترکیبی از ویژگی‌های گوناگون شخصیت نظیر: خوش بینی، همدلی، انگیزش، خودآگاهی، خودشکوفایی و دلگرمی گسترش دهند و به یک مفهوم "توانایی هوش هیجانی" برسند (بشارت، ۲۰۰۷). به همین جهت مقیاس هوش هیجانی بار-اون از تعدادی از این خرده مقیاس‌ها تشکیل شده است.

همچنین بر اساس تحقیق ده‌شیری (۱۳۸۲) که در مورد جنس و هوش هیجانی انجام گرفت، تفاوتی میان زنان و مردان در نمره کل هوش هیجانی مشاهده نشد و فقط تفاوت‌های کوچک معنادار برای تعداد کمی از مولفه‌های این سازه وجود داشته است. در تحقیق دیگری که زارع (۱۳۸۰) در این زمینه انجام داده بود، در نمره کل هوش هیجانی میان دو جنس تفاوت معنادار وجود نداشت، اما در خرده مقیاس‌های خود آگاهی هیجانی، همدلی، روابط میان فردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تفاوت معنادار در سطح ۰/۰۱ و به نفع دختران وجود داشت. همچنین در خرده مقیاس‌های قاطعیت، عزت نفس، استقلال رأی، انعطاف‌پذیری، تحمل فشار عصبی و خوش بینی شاهد وضعیت بالاتر پسران در سطح معناداری ۰/۰۱ بودیم. اما در خرده مقیاس‌های خود شکوفایی و واقعیت‌آزمایی و کنترل تکانه و شادکامی تفاوت معنادار وجود نداشت.

در این تحقیق سعی بر این است که دریابیم آیا هوش هیجانی می‌تواند به افراد در جهت شکوفای ساختن استعدادها بالقوه شان کمک کند و این اثر بخشی به چه میزان است؟ نتایج مطالعات و پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه به عمل آمده نشان می‌دهد که هوش هیجانی نقش مهمی در خود شکوفایی ایفا می‌کند و می‌تواند توانایی کلی ما را در زمینه شکوفای ساختن خود، پیش بینی نماید. اما تعیین میزان این پیش بینی، موضوعی است که نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارد که هدف اصلی این پژوهش روشن نمودن این مطلب است. بنابراین، با توجه به مباحث نظری و یافته‌های پژوهشی فوق، مسأله اساسی در این پژوهش، بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خود شکوفایی می‌باشد. در واقع، "هدف اصلی" پژوهش حاضر تعیین این مطلب است که میزان تأثیر هوش هیجانی بر خود شکوفایی است. هم‌چنین به منظور کنترل تأثیر متغیرهای هوش عمومی یا شناختی، جنس و عوامل جمعیتی شناختی بر خود شکوفایی، به عنوان هدف‌های فرعی پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند.

۲. فرضیه‌های پژوهش

۲.۱. فرضیه اصلی

بین هوش هیجانی و خود شکوفایی دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان رابطه معنادار وجود دارد.

۲.۲. فرضیه‌های فرعی

۱. بین خوش بینی و خود شکوفایی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
۲. بین درک عواطف خود و دیگران و خود شکوفایی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
۳. بین کنترل عواطف و خود شکوفایی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
۴. بین مهارت‌های اجتماعی و خود شکوفایی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
۵. بین هوش شناختی و خود شکوفایی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
۶. بین جنس و خود شکوفایی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
۷. بین عوامل دموگرافیک (میزان درآمد خانواده، تعداد فرزندان، تحصیلات والدین، شغل پدر) و خود شکوفایی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

۳. روش

۳.۱. آزمودنی‌ها

جامعه‌ی آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه اول دبیرستان شهرستان اردکان می‌باشد که با توجه به برآورد آماری حجم نمونه، تعداد ۲۰۰ نفر از این دانش‌آموزان (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) به صورت نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای، انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند.

۳.۲. ابزارهای پژوهش

۳.۲.۱. پرسش‌نامه هوش هیجانی: پرسش‌نامه هوش هیجانی توسط طراحی شده است و شامل ۳۰ سؤال می‌باشد و به هر سؤال نمره ۱ تا ۷ (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق داده می‌شود). البته در بعضی از سؤالات طریقه‌ی نمره گذاری معکوس می‌باشد که شامل ۲۸، ۲۶، ۲۵، ۲۲، ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۸، ۷، ۵، ۴، ۲ است. این پرسش‌نامه چهار عامل خوش‌بینی (ماده‌های ۳، ۵، ۱۲، ۱۳، ۲۰، ۲۴ و ۲۷)، درک عواطف خود و دیگران (۶، ۹، ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۹)، کنترل عواطف (۴، ۷، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۲ و ۲۵) و مهارت‌های اجتماعی (۱، ۲، ۸، ۱۶، ۲۶ و ۲۸) را می‌سنجد. پترایدز و فارنهام (۲۰۰۲) همسانی درونی تمام عیار این پرسش‌نامه را ۰/۸۶ محاسبه کرده‌اند. همین‌طور از بررسی رابطه هر سؤال با کل پرسش‌نامه مشخص گردید که این ابزار از روایی بالایی برخوردار است. در تحقیقی که توسط مارانی (۱۳۸۲) در مورد هنجاریابی این پرسش‌نامه بر روی یک نمونه ۳۰۰ نفری دانشجویان و دانش‌آموزان شهر اصفهان انجام شد، ضریب پایایی از طریق همسانی درونی سؤالات با استفاده از فرمول ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ بدست آمد که نشان می‌دهد این پرسش‌نامه از پایایی خوبی برخوردار است و از طریق روش تحلیل عوامل و روایی سازه، روایی بالایی از این پرسش‌نامه را

بدست آورد.

۳.۲.۲. پرسش‌نامه خود شکوفایی: برای سنجش خود شکوفایی در این پژوهش از مقیاس ۲۵ ماده‌ای خود شکوفایی موسوم به مقیاس خود شکوفایی اهواز (ASAI) که توسط اسماعیل خانی، نجاریان و مهرابی‌زاده (۱۳۸۰) هنجاریابی شده استفاده گردید. به منظور نمره گذاری این پرسش‌نامه ۲۵ ماده‌ای برای هر یک از ۴ گزینه "هرگز"، "بندرت"، "گاهی اوقات" و "اغلب اوقات" به ترتیب مقادیر ۰، ۱، ۲ و ۳ در نظر گرفته شده است به جز برای ماده‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۱ که دارای بار عاملی منفی هستند و برای هر یک از ۴ گزینه‌ی این سه ماده به ترتیب مقادیر ۳، ۲، ۱ و ۰ در نظر گرفته شده است. برای سنجش پایایی این مقیاس از دو روش بازآزمایی و همسانی درونی استفاده شده که این ضریب برای هر دو روش بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۴ بوده است و برای ارزیابی اعتبار مقیاس از طریق تعیین ضریب همبستگی این مقیاس با دو پرسش‌نامه اضطراب ANQ، پرسش‌نامه عزت نفس کوپراسمیت و پرسش‌نامه افسردگی بک محاسبه شده است. ضریب همبستگی آن با پرسش‌نامه عزت نفس مثبت و در حدود ۰/۶۶ به دست آمده و با پرسش‌نامه اضطراب و افسردگی یک رابطه‌ی منفی بدست آمده که بیانگر اعتبار مقیاس است.

۳.۲.۳. آزمون هوش ریون فرم بزرگسالان: برای ارزیابی هوش عمومی آزمودنی‌ها از این آزمون استفاده شد. این آزمون توسط ریون در سال ۱۹۳۸ در بریتانیا به منظور اندازه گیری هوش عمومی یا عامل (g) اسپیرمن ساخته شد و سپس در سال ۱۹۴۸ تجدید نظر گردید. ماده‌های آزمون شامل ۶۰ ماتریس و طرح است که قسمتی از هر یک حذف شده است و آزمودنی بایستی قسمت حذف شده را از میان شش یا هشت گزینه پیدا کند. سؤالات آزمون از آسان به مشکل تنظیم شده‌اند. آزمون هم به صورت انفرادی و هم به صورت گروهی قابل اجراست. این آزمون را می‌توان هم بر روی کودکان و هم بر روی بزرگسالان عقب مانده ذهنی اجرا نمود. این آزمون در زمره آزمون‌های "بری از فرهنگ" جای گرفته است. هر یک از ۶۰ سؤال آزمون ریون یک نمره دارد و به پاسخ‌های غلط نمره منفی داده نمی‌شود. زمان اجرای آزمون ۴۵ دقیقه است. در مطالعات انجام شده در مورد ضرائب اعتبار و پایایی آزمون ریون، ضرائبی نزدیک به ۰/۸۰ تا اندکی بالاتر از ۰/۹۰ گزارش شده است.

۳.۳. روش اجرا

پس از آماده نمودن پرسش‌نامه‌ها و آزمون‌های پژوهش، با هماهنگی مدیر دبیرستان‌ها کلیه‌ی افراد نمونه در یک جلسه شرکت کردند و هدف از پژوهش و نحوه پاسخ دادن به پرسش‌نامه‌ها برای آنان توضیح داده شد. آنگاه پرسش‌نامه‌ها بین آنان توزیع شد و پس از ده روز به کمک مسئولین مدرسه و پژوهشگر، این پرسش‌نامه‌ها برای استخراج نتایج جمع‌آوری گردید.

۳.۴. روش‌های تجزیه و تحلیل آماری

برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش ابتدا از طریق ضریب همبستگی پیرسون، میزان همبستگی بین هوش عمومی، هوش هیجانی و خرده مقیاس‌های آن با خود شکوفایی تعیین شد، سپس متغیرها به ترتیب بیشترین همبستگی وارد معادله رگرسیون شدند. همچنین برای تعیین نقش جنسیت از آزمون t استفاده شد. برای تعیین معنادار بودن همبستگی چند متغیری بین خرده

مقیاس‌های هوش هیجانی و هوش بهر عمومی با خود شکوفایی از تحلیل واریانس و همچنین برای تعیین رابطه‌ی عوامل دموگرافیک با خود شکوفایی دانش‌آموزان از تحلیل واریانس استفاده شد.

۴. نتایج

جدول ۱ و ۲ شاخص‌های مرکزی آزمودنی‌ها را در مورد نمره‌های خود شکوفایی نشان می‌دهد.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمرات خود شکوفایی با توجه به عوامل دموگرافیک.

انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص
			عوامل گروه
۱۰/۱۹	۴۸/۳۸	۲۴	میزان در آمد کمتر از ۱۵۰۰۰۰ بین ۱۵۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰۰ بین ۲۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰۰ بیشتر از ۳۰۰۰۰۰۰
۱۱/۳۹	۵۱/۶۳	۹۲	
۹/۸۶	۵۴/۳۳	۶۱	
۹/۰۷	۵۷/۹۱	۲۳	
۱۰/۰۵	۵۲/۷۴	۹۰	شغل پدر کارمند کارگر و کشاورز آزاد بیکار و از کار افتاده
۱۲/۰۸	۵۳/۹۴	۵۰	
۱۰/۹۴	۵۲/۳۱	۵۴	
۹/۹۰	۴۸	۶	
۷/۴۸	۳۶/۴۶	۴۸	تحصیلات پدر بی سواد تا ابتدایی سیکل تا دیپلم فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر
۸/۳۴	۳۷/۲۶	۹۵	
۷/۰۳	۳۷/۶۳	۵۷	
۷/۹۷	۳۶/۹۵	۹۹	تحصیلات مادر بی سواد تا ابتدایی سیکل تا دیپلم فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر
۷/۷۷	۳۷/۲۱	۹۲	
۵	۳۹/۳۳	۹	

جدول ۲: فراوانی و میانگین خود شکوفایی به تفکیک تعداد فرزند.

تعداد فرزند	فراوانی (تعداد)	میانگین	انحراف معیار
۱	۱۸	۵۲/۱۱	۸/۶۶
۲	۴۱	۵۳/۵۴	۱۲/۳۵
۳	۶۹	۵۴/۳۶	۱۰/۴۲
۴	۳۴	۵۰/۱۵	۱۱/۳۵

_____ بررسی رابطه هوش هیجانی با خود شکوفایی دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان / ۲۱۹

۵	۱۸	۵۱/۵۶	۸/۸۳
۶	۹	۵۳/۱۳	۱۳/۲۶
۷	۷	۴۹/۷۱	۱۱/۳۱
۸ و بالاتر	۴	۵۳	۶/۶۳
مجموع	۲۰۰	۵۲/۷۹	۱۰/۷۹

بر اساس نتایج جدول شماره ۲، بالاترین میانگین خود شکوفایی، مربوط به دانش‌آموزانی است که تعداد فرزندان در خانواده آنان سه نفر می‌باشد و کمترین میانگین خود شکوفایی مربوط به دانش‌آموزانی است که تعداد فرزندان در خانواده آن‌ها ۷ نفر می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش، نخست نتایج آزمون t برای مقایسه دانش‌آموزان دختر و پسر در مورد نمره‌های خود شکوفایی بررسی شد.

جدول ۳: نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین نمرات خود شکوفایی دانش‌آموزان دختر و پسر.

متغیر	شاخص گروه	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	سطح معناداری
	پسر	۵۳/۳۹	۱۱/۳۷			

همان‌گونه که نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد این تفاوت معنادار نمی‌باشد ($P > 0.05$)، یعنی دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر خود شکوفایی با هم تفاوت معناداری ندارند و بین جنس و خود شکوفایی رابطه وجود ندارد.

جدول ۴: نتایج همبستگی متغیرهای هوش هیجانی و هوش شناختی با خود شکوفایی.

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
هوش هیجانی	خود شکوفایی	۰/۶۵	۰/۰۰۱	۲۰۰
خوش بینی	خود شکوفایی	۰/۶۵	۰/۰۰۱	۲۰۰
درک عواطف خود و دیگران	خود شکوفایی	۰/۴۴	۰/۰۰۱	۲۰۰
کنترل عواطف	خود شکوفایی	۰/۳۳	۰/۰۰۱	۲۰۰
مهارت‌های اجتماعی	خود شکوفایی	۰/۲۰	۰/۰۰۴	۲۰۰
هوش شناختی	خود شکوفایی	۰/۲۱	۰/۰۰۲	۲۰۰
تعداد فرزندان	خود شکوفایی	۰/۰۶	۰/۳۸	۲۰۰
میزان درآمد	خود شکوفایی	۰/۲۴	۰/۰۰۱	۲۰۰

همان‌گونه که نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با متغیر خود شکوفایی همبستگی معنادار دارد. این یافته‌ها فرضیه‌های پژوهش را تأیید

می‌کند. به منظور بررسی تأثیر معناداری رابطه هوش هیجانی با خود شکوفایی از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول‌های ۵ و ۶ ارائه شده است. در جدول ۵ (ANOVA) مشاهده می‌شود که F به دست آمده تا سطح معناداری یک هزارم، معنادار می‌باشد که نمایانگر آن است که متغیر مستقل (هوش هیجانی) در پیش بینی متغیر وابسته (خود شکوفایی) مؤثر می‌باشد. برای انجام رگرسیون، ابتدا متغیرها به ترتیب بیشترین همبستگی وارد معادله رگرسیون شدند که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۵: نتیجه تحلیل واریانس برای اثر تعیین معنادار بودن همبستگی چند متغیری بین خرده مقیاس‌های هوش هیجانی و هوش عمومی با خود شکوفایی.

معناداری	F	میانگین مجذورات	df	مجموع مجذورات	مرحله (گام)	
۰/۰۰۱	۱۴۶/۰۷	۹۸۳۸/۸۲	۱	۹۸۳۸/۸۲	رگرسیون	گام ۱
		۶۷/۳۵	۱۹۸	۱۳۳۳۶/۹۳	باقیمانده	
			۱۹۹	۲۳۱۷۵/۷۵	کل	
۰/۰۰۱	۸۸/۵۶	۵۴۸۶/۳۶	۲	۱۰۹۷۲/۷۲	رگرسیون	گام ۲
		۶۱/۹۴	۱۹۷	۱۲۲۰۳/۰۳	باقیمانده	
			۱۹۹	۲۳۱۷۵/۷۵	کل	
۰/۰۰۱	۶۶/۹۷	۳۹۱۰/۳۹	۳	۱۱۷۳۱/۱۸	رگرسیون	گام ۳
		۵۸/۳۹	۱۹۶	۱۱۴۴۴/۵۷	باقیمانده	
			۱۹۹	۲۳۱۷۵/۷۵	کل	
۰/۰۰۱	۵۳/۰۴	۳۰۱۹/۱۵	۴	۱۲۰۷۶/۶۲	رگرسیون	گام ۴
		۵۶/۹۱	۱۹۵	۱۱۰۹۹/۱۳	باقیمانده	
			۱۹۹	۲۳۱۷۵/۷۵	کل	
۰/۰۰۱	۴۲/۲۷	۲۴۱۶/۸۲	۵	۱۲۰۴۸/۱۳	رگرسیون	گام ۵
		۵۷/۱۷	۱۹۴	۱۱۰۹۱/۶۲	باقیمانده	
			۱۹۹	۲۳۱۷۵/۷۵	کل	

جدول ۶: ضرایب رگرسیون و t متغیرهای پیش‌بینی کننده خود شکوفایی.

معناداری	t	Beta	ضرایب غیر استاندارد		مرحله (گام)
			خطا	B	
۰/۰۰۱	۶/۷۰		۲/۸۴	۱۹/۰۸	گام ۱
۰/۰۰۱	۱۲/۰۸	۰/۶۵	۰/۰۷	۰/۹۰	
۰/۰۳	۲/۱۵		۳/۷۵	۸/۰۸	گام ۲
۰/۰۰۱	۱۰/۱۵	۰/۵۶	۰/۰۷	۰/۷۸	
۰۰۰	۴/۲۷	۰/۲۳	۰/۰۷	۰/۳۰	
۰/۵۴	۰/۶۱		۳/۹۶	۲/۴۱	گام ۳
۰/۰۰۱	۹/۱۵	۰/۵۱	۰/۰۷	۰/۷۱	
۰/۰۰۱	۴/۵۷	۰/۲۴	۰/۰۷	۰/۳۱	
۰/۰۰۱	۳/۶۰	۰/۱۸	۰/۰۷	۰/۲۶	
۰/۱۱	-۱/۵۷		۶/۴۲	-۱۰/۱۱	گام ۴
۰/۰۰۱	۹/۱۹	۰/۵۰	۰/۰۷	۰/۷۰	
۰/۰۰۱	۴/۳۹	۰/۲۳	۰/۰۶	۰/۳۰	
۰/۰۰۱	۳/۳۸	۰/۱۷	۰/۰۷	۰/۲۴	
۰/۰۱۵	۲/۴۶	۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۱۲	
۰/۱۴	-۱/۴۸		۶/۵۳	-۹/۶۹	گام ۵
۰/۰۰۱	۹/۰۲	۰/۵۱	۰/۰۷	۰/۷۱	
۰/۰۰۱	۴/۳۸	۰/۲۳	۰/۰۶	۰/۳۰	
۰/۰۰۱	۳/۳۸	۰/۱۷	۰/۰۷	۰/۲۵	
۰/۰۱۴	۲/۴۶	۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۱۲	
۰/۱۷	-۰/۳۶	-۰/۰۱	۰/۰۹	-۳/۳	

نتایج ضرایب رگرسیون در جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که بین هوش هیجانی (خوش بینی، درک عواطف، کنترل عواطف، مهارت‌های اجتماعی) و هوش شناختی با خود شکوفایی رابطه، وجود دارد. نتیجه‌ی آزمون t برای وزن رگرسیون خوش بینی، درک عواطف، کنترل عواطف معنادار است و به همین جهت این متغیرها در معادله رگرسیون وارد می‌شوند. در گام چهارم، شیب خط هوش بهر برابر با ۰/۰۵ است؛ یعنی تغییری به اندازه یک واحد انحراف معیار در هوش بهر باعث ۰/۰۵ تغییر در خود شکوفایی می‌شود. فقط آزمون t برای وزن رگرسیون مقیاس مهارت‌های اجتماعی در گام پنجم معنادار نیست. در نتیجه این متغیر در معادله رگرسیون وارد نمی‌شود و فقط بر اساس ۴ متغیر خوش بینی، درک عواطف خود و دیگران، کنترل عواطف و هوش عمومی می‌توان خود شکوفایی را پیش‌بینی کرد.

جدول ۷: نتیجه تحلیل واریانس مقیاس خود شکوفایی بر اساس تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و تعداد فرزند و میزان درآمد.

منبع	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب تأثیر	توان آماری
تحصیلات پدر	۱۳۰/۳۸	۲	۶۵/۱۹	۰/۵۶	۰/۵۷	۰/۰۰۶	۰/۱۴
تحصیلات مادر	۹۲/۵۳	۲	۴۶/۲۶	۰/۴۰	۰/۶۷	۰/۰۰۴	۰/۱۱
شغل پدر	۲۶۰/۵۷	۳	۸۶/۱۸۵	۰/۷۵	۰/۵۲	۰/۰۱۲	۰/۲۰
تعداد فرزند	۲۹۷/۴۷	۷	۴۲/۴۹	۰/۳۶	۰/۹۲	۰/۰۱۴	۰/۱۶
میزان درآمد	۹۹۰/۲۹	۳	۳۳۰/۰۹	۲/۸۵	۰/۰۳	۰/۰۴۵	۰/۶۷
خطا	۲۱۰۶۱/۱۰	۱۸۲	۱۱۵/۷۲				
کل	۵۸۰۴۲۷	۲۰۰					

نتیجه تحلیل واریانس نشان می‌دهد که مقدار F فقط در متغیر میزان درآمد معنادار است ($P < 0.05$, $F = 2.85$). در نتیجه در میزان خود شکوفایی بر اساس میزان درآمد تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین نگاهی به یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که میزان درآمد خانواده‌های آنان بالاتر از ۳۰۰/۰۰۰ تومان است با میانگین خود شکوفایی ۵۷/۹۱، بیشترین خود شکوفایی را دارند و دانش‌آموزانی که خانواده‌های آنان در آمد کم‌تر از ۱۵۰/۰۰۰ تومان دارند، پائین ترین میانگین خود شکوفایی را دارند. اما خود شکوفایی بر اساس سایر متغیرهای جمعیت شناختی (تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر، تعداد فرزندان) تفاوت معناداری وجود نداشت.

۵. بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش تعیین رابطه‌ی هوش هیجانی با خود شکوفایی بود. نتایج این پژوهش نشان داد که در پیش بینی خود شکوفایی به ترتیب متغیرهای هوش هیجانی، هوش بهر عمومی (شناختی) و عوامل دموگرافیک دارای بیشترین قدرت پیش بینی می‌باشند. این نتایج نشان داد که ضریب همبستگی بین متغیر هوش هیجانی با خود شکوفایی برابر با ۰/۶۵ بوده که در سطح ۰/۰۱ معنادار است و چون ضریب تبیین آن در حدود ۴۰ درصد است در نتیجه می‌توان گفت بین هوش هیجانی دانش‌آموزان با خود شکوفایی آنان رابطه وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین خرده مقیاس‌های هوش هیجانی (خوش بینی ۰/۶۵، درک عواطف خود و دیگران ۰/۴۴، کنترل عواطف خود ۰/۳۳، و مهارت‌های اجتماعی ۰/۲۰) و خود شکوفایی رابطه وجود دارد. همبستگی مثبت بین متغیرها، بیانگر آن است که با افزایش میزان هوش هیجانی و خرده مقیاس‌های آن، سطح خود شکوفایی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. در نتیجه هوش هیجانی قادر به پیش بینی توانایی خود شکوفایی آزمودنی‌ها می‌باشد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های قبلی که در آمریکا، اسرائیل و هلند صورت گرفته است همسو می‌باشد (سیاروچی، فورگاس و مایر، ۲۰۰۳؛ کمپ و همکاران، ۲۰۰۵).

فرض دیگر این پژوهش تعیین نقش جنس در خود شکوفایی بود که نتایج آزمون‌های آماری نشان داد که دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر خود شکوفایی با هم تفاوت ندارند. این یافته با نتایج دیگر پژوهش‌ها (دهشیری، ۱۳۸۲؛ یارمحمدیان، ۱۳۸۵؛ زارع، ۱۳۸۰؛ بشارت، ۱۳۸۴) هماهنگ می‌باشد. در حقیقت می‌توان نتیجه‌گیری کرد که دانش‌آموزان دختر و پسر با استفاده از عوامل محیطی و عوامل درون فردی همچون هوش، استعداد و هوش هیجانی بالا در زمینه‌ی شکوفایی خود تقریباً به یک نسبت در کسب موفقیت خود تلاش می‌کنند.

فرض دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت تعیین رابطه‌ی بین هوش شناختی و خود شکوفایی بود. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی بین هوش بهر عمومی و خود شکوفایی برابر با ۰/۲۱ بوده که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. در نتیجه بر اساس آن می‌توان گفت بین هوش شناختی و خود شکوفایی رابطه وجود دارد. نکته قابل توجه این است که هوش هیجانی با خود شکوفایی همبستگی بیشتری دارد. لذا هوش هیجانی بیشتر از هوش شناختی قادر به پیش‌بینی میزان خود شکوفایی آزمودنی‌ها می‌باشد (کلمن، ۱۹۹۵، ۱۹۹۸؛ کمپ و همکاران، ۲۰۰۵). این بدین معناست که هوش هیجانی بهتر از هوش شناختی می‌تواند سبب شکوفاسازی استعدادها بالقوه و رسیدن به اهداف متعالی در زندگی گردد؛ زیرا درک عواطف و هیجانات خود و دیگران و مدیریت این هیجانات، موجب سلامت روانی و فکری فرد می‌شود و امکان دسترسی بهتر به امکانات محیطی و بهبود شرایط زندگی را در اختیار فرد قرار می‌دهد؛ بنابراین برای بهتر بودن و بهتر شدن، نیازمند حرمت نفس، خود آگاهی هیجانی بالا، توانایی حل مسأله، جرأت و شجاعت کافی می‌باشیم. همچنین برای کمک به فرایند خود شکوفایی خود و افزایش توانایی مان جهت موفقیت در زندگی، نیاز داریم که استقلال داشته باشیم؛ اهداف خود را بشناسیم و برای دستیابی به این اهداف، به قدر کافی بر انگیزه شویم. همه موارد مذکور مستلزم این است که بدانیم چه کسی هستیم و نقاط ضعف و قوت ما کدام است. در نتیجه نه تنها مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌تواند تأثیر نیرومندی بر توانایی ما جهت خودشکوفایی داشته باشند، بلکه خود شکوفایی نیز به نوبه خود، کارآیی ما را در کار و حرفه خود و به طور کلی در دستیابی به بهزیستی، تندرستی و سلامت، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بررسی رابطه‌ی عوامل دموگرافیک با خود شکوفایی از دیگر مفروضه‌های این پژوهش بود. نتایج به دست آمده نشان داد که در میزان خود شکوفایی بر اساس میزان درآمد تفاوت معناداری وجود دارد. یافته‌های توصیفی بیان‌گر آن است که دانش‌آموزانی که میزان درآمد خانواده‌هایشان بالاتر از ۳۰۰/۰۰۰ تومان است با میانگین خود شکوفایی ۵۷/۹۱، بیشترین خودشکوفایی و دانش‌آموزانی که خانواده‌های آنان در آمد کمتر از ۱۵۰/۰۰۰ تومان دارند، پایین‌ترین میانگین خود شکوفایی را دارند اما در میزان خود شکوفایی بر اساس سایر متغیرها (تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر، تعداد فرزندان) تفاوت معناداری وجود نداشت. از این نتیجه می‌توان استنباط نمود که از بین عوامل دموگرافیک نظیر شغل پدر، تحصیلات پدر و مادر، سن والدین و تعداد فرزندان به طور مستقیم در میزان خود شکوفایی نقش مؤثری ندارند اما به عنوان عوامل زمینه‌ساز می‌توانند نقش خود را در فراهم نمودن شکوفایی

اعضای خانواده ایفا نمایند.

به طور کلی در این پژوهش نشان داده شد که هوش هیجانی نقش مهمی در خود شکوفایی ایفا می‌نماید و همبستگی بالایی با توانایی شکوفا ساختن استعدادها و مهارت‌های اساسی دارد و می‌تواند بین کسانی که توانایی بیشتری در رشد خود دارند از افرادی که توانایی کمتری دارند، تمییز قایل شود. هم‌چنین می‌تواند توانایی کلی ما را در زمینه‌ی شکوفا ساختن خود، پیش بینی نماید و دریافتیم که هوش هیجانی در مقایسه با هوش شناختی در امر خود شکوفایی اهمیت بیشتری دارد. این بدین معناست که هوش شناختی بالا نمی‌تواند شکوفاسازی استعدادهای ما را تضمین نماید، بلکه هوش هیجانی و عاطفی بالا به وضوح برای خود شکوفایی، اهمیت دارد.

به دلیل محدودیت‌های این پژوهش و اهمیت موضوع، جا دارد پژوهشگران علاقه‌مند با انجام پژوهش‌های مشابه در جمعیت‌های غیر دانش‌آموزی و دیگر گروه‌های دانش‌آموزی جهت رسیدن به نتایج گسترده‌تر پیرامون رابطه‌ی هوش هیجانی و خود شکوفایی افراد، این پژوهش را دنبال نمایند و هم‌چنین رابطه‌ی هوش هیجانی را با شکل‌گیری سایر ویژگی‌های روان‌شناختی از جمله موفقیت و خود کارآمدی، شکل‌گیری هویت، انگیزه پیشرفت، عزت نفس، خلاقیت، کمال‌گرایی و مواردی از این قبیل مورد بررسی قرار دهند.

یادداشت‌ها

1. Kemp; Cooper; Hermans; Gordon; Bryant & Williams
2. Salovey and Mayer
3. Van Rooy; Viswesvaran
4. Gardner
5. Pfeiffer
6. Emotional Intelligence
7. Goleman
8. Bar-on
9. Self-actualization
10. Abraham Maslow
11. Hall and Lindzey
12. Self- enhancement
13. Self Expression
14. Cambra-Fierro and Cambra-Berdún
15. Musek
16. The big one

منابع

الف. فارسی

- اسماعیل‌خانی، ف.، نجاریان، ب. و مهرابی‌زاده هنرمند، م. (۱۳۸۰). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش خود شکوفایی. فصل‌نامه‌ی علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا.
- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۴). اعتباریابی مقیاس هوش هیجانی (EIS). مجله‌ی علوم روان‌شناختی.
- بشارت، محمد علی. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر هوش هیجانی بر کیفیت روابط اجتماعی. مجله‌ی مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهرا. ۲، ۲۵-۳۸.

_____ بررسی رابطه هوش هیجانی با خود شکوفایی دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان / ۲۲۵

- حسینی، فاطمه. (۱۳۸۳). درباره‌ی هوش هیجانی چه می‌دانید؟ به نقل از روزنامه همشهری.
- دهشیری، غلامرضا. (۱۳۸۲). *هنجاریابی پرسش‌نامه هوش هیجانی بار-اون در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران و بررسی ساختار عاملی آن*. پایان نامه تحصیلی کارشناس ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- زارع، علی. (۱۳۸۰). *مقایسه سهم هوش هیجانی و هوش عمومی در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم متوسط شهر شیراز*. پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- زیگلر، دانیل، هجل، لاری. (۱۳۴۴). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه: عسکری، علی، ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.
- سیاروچی، ژوزف، فورگاس، ژوزف. و مایر، جان. (۲۰۰۳). ترجمه: اصغر نوری امام زاده‌ای و حبیب الله نصیری، اصفهان: نوشته.
- شولتس، دوآن. (۱۳۶۶). *روان‌شناسی کمال*. ترجمه: خوشدل گیتی، تهران: نشر نو.
- مارانی، مرضیه. (۱۳۸۲). *هنجاریابی پرسش‌نامه ویژگی‌های هوش عاطفی پترایدز*. طرح تحقیق (کارشناسی ارشد). دانشگاه اصفهان.
- یارمحمدیان، احمد. (۱۳۸۵). *رابطه هوش هیجانی با هوش اجتماعی*. مقالات دومین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۲۷۰-۲۷۵.

ب. انگلیسی

- Bar-On, R. and Parker J. D. A. (2000). **Handbook of Emotional Intelligence**. San Francisco: Jossey-Bass.
- Bar-on, R. and Parker, J. D. A. (2000). *Introduction*. In Bar-On, R. and Parker, J. D. A. (Eds.), **The Handbook of Emotional Intelligence**. San Francisco: Jossey-Bass.
- Besharat, M. A. (2007). *Psychometric Properties of Farsi Version of the Emotional Intelligence Scale-41 (FEIS-41)*. <http://dx.doi.org/10.1016/j.paid.2007.02.20>
- Cambra-Fierro, J. and Cambra-Berdún, J. (2007). *Students' Self-Evaluation and Reflection: An Empirical Study*. **Education and Training**. 49, 103-111.
- Gardner, H. (1983). **Frames of Mind: the Theory of Multiple Intelligences**. New York: Basic Books.

Goleman, D. (1998). **Working with Emotional Intelligence**. New York: Bantam.

Goleman, D. (1995). **Emotional Intelligence**. New York: Bantam Books.

Hall, C. S. and Lindzey, G. (1970). **Theories of Personality**. Englewood Cliff: Prentice-Hall-Inc.

Kemp, A. H., Cooper, N. J., Hermans, G., Gordon, E., Bryant, A. and Williams, L. M. (2005). *Toward an Integrated Profile of Emotional Intelligence: Introducing a Brief Measure*. **Journal of Integrative Neuroscience**. 4 (1), 41-61.

Lester, D. (1990). Maslow's Hierachy of Needs and Personality. **Personality and Individual Differences**, 11(11), 1187-1188.

Maslow, A. H. (1970). **Motivation and Personality**. New York: Harper & Row.

Mauer, J. D. and Salovey, P. (1997). *What is Emotional Intelligence?* In Salovey, P. and Sluyter, P. J. (EDs.), **Emotional Development and Emotional Intelligence**. New York: Basic Books.

Musek, J. (2007). *A General Factor of Personality: Evidence for the Big One in the Five-Factor Model*. <http://Doi:10.1016/j.jrp.2007.02003>.

Musek, J. (2005). *Generalne Dimenzije Osebnosti in Subjektivno Emocionalno Blagostanje [Basic Personality Dimensions and Subjective Emotional Well-Being]*. **Anthropos (Ljubljana, Slovenia)** 1-4, 319-338.

Musek, J. (2006). **Higher-Order Factors of Personality**. Unpublished Manuscript, University of Ljubljana.

Petri, L. H. (1996). **Motivation: Theory, Research and Applications**. California: Wadsworth, Inc.

Pfeiffer, S. I. (2001). *Emotional Intelligence: Popular but Elusive Construct*. **Roeper**. Rev. 23: 138-143.

Salovey, P. and Mayer, J. D. (1990). Emotional Intelligence, Imagination. **Cognition and Personality**. 9: 185-211.

Shavelson, R. J., Hubner, J. J. and Stanton, G. (1976). *Validation of Construct Interpretations*. **Rev. Educ. Res.** 46: 407-441.

Van Rooy, D. L. and Viswesvaran, C. (2004). *Emotional Intelligence: a Meta Analytic Investigation of Predictive Validity and Nomological Net*. **J. Vocat. Behav.** 65: 71-95.